

# دانشمندان آذربایجان

---

تألیف

محمد علی ترییت

نماینده مجلس شورای ملی

۳۱ گراور

چاپ اول

حق طبع محفوظ است

تهران - مطبعه مجلس

۱۳۱۴

**تقریظی است که جناب آقای حسن اسفندیاری (مجتهد السلطنه) رئیس  
مجلس شورای ملی بر این اثر ناچیز مرقوم فرموده اند**

یکی از بزرگترین خدمت که دانشمندان کشوری و لایقترین اقدام که صاحب  
قلمان مملکتی بجا بیاورد تبع اخبار گذشتگان و ضبط آثار پیشینیان است که فایده  
آن بعلم و تاریخ و صنعت و ادب بر کسی پوشیده نیست خاصه در مملکتی که خدمات  
سابقین آن در معارف و صنایع و ادب پسیاه بلندی رسیده باشد پس سی حیف است  
که چنین آثار فراموش شود و یا جمع و تلفیق آن برای اسفاده آیندگان متروک ماند  
با مسرتی شنیدم که دانشمند ارجمند و فاضل فرهنگ ادیب عالی مرتبت آقای  
محمد علی قریبت نماینده گرامی ملت در مجلس شورای ملی که ارتیاضش در تحصیل  
دانش و کوشش وی در شناخت معلومات اوایل و معارف اواخر محرز و بالخصوص  
عشق مفرط و علاقه کاملش بصحف و کتب بقدری است که از این گنجی که برای  
دانشمندان آگنده است و از این انیسی که برای اهل فضل آماده است که هر فعلش  
حاصل شود در آنست و هر فایده برده شود از آنست نه خود را تنها مسنّفید میدارد بلکه  
چون همه کس را از آن بهره ور میخواست در شهر های چند بنای کتابخانه ها و جمع  
کتب مفید را مؤسس بوده و از کتاب نه چون بنده و دیگران زینت طاق و زیور اطاق  
زا بنیظور دارد بلکه دقت مطالعه و کثرت مراجعه و استخراج نکات فائده و استنباط  
مطالب لایقه را حسب العین میفرماید تألیفی جامع و مفید در ضبط احوال و حفظ آثار  
گذشتگان آذربایجان در دست است که شاهد این مقال و بسط تبع ایشان را تصدیق  
حال است از شنیدن این بشارت چنانکه وقتی از خاطر گذشت بود .

ز راه دیده بس دل رفته بر باد      مرا از راه گوش این مشکل افتاد

شوقی وافی بدیدن چنین اثر سودمندی احساس کردم و بانتظار وصول باین  
مطلوب نگران بودم تا نگارنده عالی مقام نسخه از آن را بر من عرضه داشتند با البساطی

خاص در اول فرصت از کار و مشاغل موجود روگردانیده بمطالعه آن رو آوردم از هر سطری که گذشتم و هر صفحه که بآخر رسایدم از طرز تحریر و حسن اسلوب و زشافت سبک و جزالت لفظ و سادگی بیان و جمع مطالب بر من حالی دست داد که دامن و قلم از دست برفت .

گلستانی و روی بوستاها در اوراقش هزاران داستاها

وقتی بحدود آمدم با تصور و تقصای که در خود سراع دارم از روی عشق به مملکت بهدایت این تابش و راهنمای این انگیزش مقتضی دیدم بداشمندان هر مرزی از این بوم توصیه نمایم و تذاکر بدهم که با این اسلوب مطلوب و طرز مرغوب اگر هر يك جمع آثار رفتگان قلمرو خویش پردازد تاریخ جامع و رجالی نافع برای تمام کشور ایران تدارك شده و این خدمت خود یکی از شایسته ترین آثاری خواهد بود که ز عصر سعادت منند اعلیحضرت همایون شاه شاه ایران رضا شاه پهلوی که بسی آثار پر قیمت را در دنیا بیادگار میگذارد یادگار گرا بهائی بماند که از باد و باران یابد گرد بلی چنانکه گفته اند .

یادگاری کر آدمی زاد است      سخن است آن دگر همه باد است



# دانشمندان آذربایجان

تألیف

محمد علی تبریزی

حقوق طبع و تقلید محفوظ و مخصوص مؤلف است

تهران

مطبعه مجلس ۱۳۱۴

# بام خداوند بخشیده مهربان

**آتش مراغای** - در عهد فتحعلیشاه منصب شیخ الاسلامی آن شهر را داشته و از شعرای معروف آن بلده محسوب میشود، کتب زیادی تألیف کرده و دیوانی هم دارد ولی بیشتر اشعار آن بزبان ترکی است. (حدیقه الشعرا)

**آتش شروانی** - قبل از آتشی مزبور دارای این تحاص بوده و این دوبیت مشهور از اوست.

«صبحدم کاین ز ورق زرین بامر داد گر شد روان بر روی این دریای سبر پر درر»  
«از بس پرده زلیحائی سحر که رخ نمود همچو یوسف کو بر آورد از درون چاه سر»  
(کعبه عرفان)

**آخوند زاده** - نامش میرزا فتحعلی است، پدرش میرزا محمد تقی بن حاجی احمد مدنی کدخدای قصبه خامنه بوده و در تاریخ ۱۲۲۶ هجری برای تجارت بشهر شکی رفته با دختر آخوند حاجی میرزا علی اصغر در آنجا ازدواج کرده است. یکسال بعد از این واقعه میرزا فتحعلی معروف به آخوند زاده از آن خام تولد یافته و در ۲۴ شهر صفر ۱۲۹۵ در بلده قلیس مرحوم شده. قبرش در آنجاست. شرح حال مفصل و تاریخ حیات وی بقلم خود او که بزبان پارسی نوشته است در شماره های ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ جریده کشکول سال ۱۸۷۷ منطبعه قلیس انتشار یافته و این سه مره در این خصوص یگانه مرجع نویسندگان عصر حاضر است.

میرزا فتحعلی بعد از تعلم و تحصیل علوم و فنون متداوله قدیمه و جدیده در اصول محاوره و آداب مناظره مهارت کامل رسانیده و تمام همت خود را بتجسس و تفحص احوال ملل اسلام و تحقیق و تدقیق عدم ترقی آنان معطوف داشته و در این طریق و رویه جد و جهد زیادی بعمل آورده است که بلکه تمدن حاضره ملل غرب را باقوام شرق انتقال داده و اسباب ترقی آنها را فراهم آورد و لذا روح مطالب تمام آثار او باین نقطه

## آخوند زاده

متوجه گردیده و کلیه تألیفاتش در السنه پاریسی و ترکی و عربی منحصراً بنقد و انتقادات رسومات مدنی و اجتماعی و عوائد اخلاقی و ادبی و قوانین سیاسی و اداری ملل اسلامی است و مشهورترین آنها قصص سبعة و یا نمایشهای هفتگانه اوست که همه بزبان ترکی از تاریخ ۱۲۶۷ تا سنه ۱۲۷۳ تألیف و انتشار یافته و اسامی آنها از این قرار است :

ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر ،

موسی ژوردان حکیم نباتات ،

سرگذشت وزیر خان سراب ،

خرس قولدور باسان ،

سرگذشت مرد خسیس یا حاجی قرا ،

مرافعه و کیل لرینک حکایتی ،

یوسف شاهک حکایه سی یا آلدانمش کواکب .

حکایات فوق را میرزا جعفر قراجه داعی که منشی جلال الدین میرزا بود بعنوان تمثیلات بزبان پاریسی نقل نموده و آنها در سنه ۱۲۸۸ در طهران بطبع رسیده و بالسنه روسی و فرانسوی و آلمانی و انگلیسی نیز ترجمه و چاپ شده اند .

زبدۀ آثار آخوند زاده رساله الفباء اختراعی اوست که بجای الفباء حاضره اسلامی در سنه ۱۲۷۴ از ترتیب و تألیف آن فراغت یافته و دو رساله دیگر هم در تاریخ خطوط و معایب الفباء حاضره و محاسن الفباء اختراعی خود در سنوات ۱۲۸۰ و ۱۲۸۵ بزبان ترکی و پاریسی تصنیف نموده . در اول رساله ثانی چنین گفته است « بنا بر قصورات الفباء اسلام بسیا قبیحه در دیباچه کتاب اول خودم تصریح کرده ام من الفباء جدیدی بوضع خط قدیم اختراع و نقطه ها را کلاً ساقط و اعراب را در پهلوی حروف صامته مرقوم نموده اول این رسم جدید را بواسطه قسول سابق دولت علیه ایران در تفلیس میرزا حسین خان بنظر اولیای دولت علیه ایران معروض داشتم و بعد يك جلد دیگر از آن رسم جدید برداشته در سنه ۱۲۸۰ عازم اسلامبول شدم . . . . . »

آخوند زاده در تاریخ مزبور که بشهر اسلامبول سفر کرده است پیشنهادی در این

باب که مورخه ۲۰ صفر از همان سال می باشد به فؤاد پاشا صدر اعظم دولت عثمانی تقدیم داشته و این در شماره ۱۴ مجموعه فنون جمعیت عثمانی منتشره در این تاریخ چاپ شده است<sup>۱</sup>. از قرار معلوم میرزا حسین خان مرحوم که در آنوقت سفیر ایران در پای تخت عثمانی بوده است این اقدامات آخوند زاده را در دربار عثمانی عقیم گذارده و آن مرحوم بدون اخذ نتیجه بققاز برگشته، مثنوی هجو آمیزی قریب بهشتاد بیت راجع باین مسافرت خود منظوم ساخته و در آنجا چنین گفته است:

« که ناگاه يك مردك زرد چهر	بجام مرادم بر آمیخت زهر »
« به پیش وزیران و راه بود	مرادشمن دین و دولت نمود »
« از او هیچ شد رنج ده ساله ام	شنید آسمان از زمین ناله ام »
« بناچار بر گشتم از خاک روم	که ماندن در آنجا مرا بود شوم »

از کتاب ثانی آخوند زاده چنان مفهوم میشود که پس از مراجعت از اسلامبول بواسطه فوت پسرش مدتی پریشان حال گشته و دیگر به پیشرفت الفباء خود اقدامی نکرده اند تا آنکه در آن اوان نسخه ای از الفباء اختراعی میرزا ملکم خان که در پاریس بطبع رسانیده و آنرا به آخوند زاده فرستاده بوده است دوباره او را بحرکت و جنبش آورده رساله الفباء اختراعی خود را با دورساله دیگر که یکی از آنها پیشنهاد اولی و صورت خطابه منیف پاشا و فرمان سلطان عبد العزیز بوده و دیگری عبارت از تاریخ مختصر خطوط قدیمه و محاسن الفباء اختراعی خود او میباشد همه را با خط و امضای شخصی خود در سنه ۱۲۸۵ بوزارت معارف ایران تقدیم داشته است که الحال این نسخه ها عیناً در ضمن کتب موقوفه اعتضاد السلطنه مرحوم که به کتابخانه سپهسالار (دانشکده معقول و منقول) افزوده اند موجود بوده و قابل استفاده است.

این فکر جدید آخوند زاده را که الحال هشتاد سال تمام از عمر آن میگذارد عده ای از مشاهیر و معاریف دیگر نیز تعقیب نموده و رسایل و کتابهای عدیده در این باب نوشته و هر يك الفبائی اختراع و ایجاد کرده اند ولی هیچیک از آنها ایرادات وارده و

۱ - (مجموعه فنون جمعیت عثمانیه) مجله ماهانه ایست بزبان ترکی در تاریخ اول محرم سال ۱۲۷۹ که در اسلامبول تاسیس یافته و این پیشهاد آخوند زاده در شماره دوم سال دوم چاپ شده است، چهارمجله ۴ ساله از این مجموعه مصور در کتابخانه نگارنده موجود است.



## آخوند زاده

معایب موجوده را کاملاً اصلاح نموده و بواسطه عدم رفع اشکالات تعلیمی و مطبعی هنوز مورد توجه واقع نشده و پیشرفت نگرده اند و مشهورترین این اشخاص میرزا ملکم خان است که او نیز بعلاوه الفباء اختراعی خود دو رساله بی نظیر بعنوان مبده ترقی و شیخ وزیر نوشته و دو کتاب ممتازی هم با الفباء خود که یکی گلستان شیخ سعدی و دیگری اقوال حضرت علی<sup>ع</sup> میباشند در سنوات ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ در لندن بطبع رسانیده و چنانکه در مقدمه گلستان اشاره مینماید ۲۵ سال تمام در این راه زحمت کشیده است. میرزا رضا خان ارفع الدوله و آخوند زاده شیخ الاسلام قفقاز نیز در این باب دو کتاب بنام رساله رشدیه و کتاب معلم الاطفال در سنوات ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷ در تفلیس بطبع رسانیده اند، آخوندزاده در کتاب معلم الاطفال و حاجی میرزا حسن رشدیه تبریزی در کتابچه وطن دیلی (در تبریز چاپ شده) از این فکر جدید میرزا فتحعلی راه جدیدی برای یاد گرفتن اطفال مبتدی ملهم شده و طریقه و اصول سهلتری وضع نموده اند که فعلاً اصلاح شده آن اصول میباشند که در مدارس آذربایجان معمول و متداول است.

میرزا رضا خان بگشلو و میرزا حسین خان نایب اول وزارت خارجه نیز که در اواخر قرن سیزدهم هجری در اسلامبول و در طرابزون مأموریت داشته اند الفبائی اختراع کرده و دو رساله در این باب بنام الفباء بهروزی و نمونه افکار در سالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۰۳ در اسلامبول بضع رسانیده اند.

میرزا یوسف خان تبریزی معروف به مستشار الدوله از پیشروان این فکر جدید بوده و زحمات زیادی در این باب متحمل شده اند منجمله در سال ۱۲۹۷ که در مشهد مقدس متوقف بوده اند مسئله تغییر الفباء را از علمای معروف آن شهر استفتاء نموده و آنها هم جوابها مرقوم فرموده اند که شرح و تفصیل این مذاکره و نظریات علما در شماره ۲۲ جریده اختر سال ۱۲۹۷ نشر شده<sup>۱</sup>. صورت فتوی میرزا نصرالله مجتهد اینست

---

۱ - اختر روز نامه ای بوده است که در تاریخ ۱۲۹۲ به تشویق میرزا نجفعلی خان تبریزی در اسلامبول بمدیریت آقا محمد طاهر تبریزی تأسیس و دائر گردیده است، شماره اول آن روز پنجشنبه ۱۶ ذیحجه سال ۱۲۹۲ انتشار یافته اوایل غیر از روزهای جمعه و یکشنبه هر روز و پس از چندی هفته دو بار روزهای شنبه و چهارشنبه و بعد ها هفتگی نشر شده و ۲۲ سال مرتباً دائر بوده و در تاریخ ۱۲۱۳ از طرف دولت عثمانی توقیف شده است .... (ورقی از دفتر تاریخ مطبوعات ایرانی و پارسی تألیف نگارنده).

تغییر در خط کتب یا اختراع خط جدید مطلقاً جایز است بلا اشکال بلکه هر گاه موجب تسهیل تعلیم و تعلم و تصحیح قرائت بشود راجح خواهد بود، اگر کسی توهم کند که این تغیر تشبه باهل خارجه است و جایز نیست این توهم ضعیف است که اینگونه تشبیهات حرام نیست و الا استعمال سماور باید جایز نباشد.

مستشار الدوله مرحوم در سال ۱۳۰۳ رساله بسیار مفیدی هم بعنوان اصلاح خط اسلام نوشته چاپ کرده است. اعضای انجمن دانش در بمبئی هم الفبائی در تاریخ ۱۳۰۸ اختراع نموده و رساله‌ای بعنوان خط دانش انسانیت بطبع رسانیده اند و در همین اوقات حاجی میرزا لطفعلی آقا مجتهد تبریزی و میرزا کاظم خان آلان بر اغوشی متخلص به مصلح نیز هر یک الفبائی اختراع کرده و رساله‌ای در این باب نوشته اند. در تاریخ ۱۳۲۳ هجری محمد آقای معروف بشاه تخته‌سنگی را که صاحب روزنامه شرق روس بود در تفلیس دیدم که او نیز رساله‌ای در تبدیل الفباء ترتیب داده و در آن روزنامه ترکی به پیشرفت الفبای خود سعی و کوشش‌ها مینمود، میرزا علی محمدخان اویسی نیز از جمله این اشخاص بوده و در سنه ۱۳۳۱ رساله بعنوان راه نو در اسلامبول منتشر ساخته است و در همین تواریخ بود که نگارنده در شهر اسلامبول با یکنفر دکتر از اهل ارنائود ملاقات افتاد که پس از ۲۵ سال زحمت الفبائی اختراع کرده و ۲۰ رساله و کتاب در این باب تألیف و منتشر ساخته بود و خیلی جای تعجب است که در این مدت ابدأ اطلاعی نداشته است که قبل از وی اشخاص زیادی در این خصوص پیشقدم بوده و مبالغ‌گزافی هم خرج کرده اند و از جمله نشریات مفیده در این باب رساله ایست که آقای تقی‌زاده باسّم مقدمه تعلیم عمومی در تاریخ ۱۳۰۷ شمسی در طهران نوشته و چاپ کرده است.

بالجمله در این اواخر عدّه مخترعین الفبای جدید در مرکز و سایر نقاط مختلف ایران پیش از پیش شده و رساله‌ها و مقاله‌های مفصل در جراید و مطبوعات منتشر ساخته و میسازند ولی چنانکه گفته شد هنوز يك صورت مرغوبی از آنها مطبوع طبایع نگشته و مقبولیت عامه پیدا نکرده است.

## آخوند زاده

از مقالات ادبی آخوند زاده نگارنده سطور دو رساله ای دارم که یکی از آنها راجع بانتقاد شیوه انشاء مجلدات تکه روضة الصفاى ناصری است که پس از طبع و انتشار آنها در تاریخ ۱۲۷۹ بقلم آورده است، دیگری اعتراضات و خورده گیریهای است که بر لوحه و دیباچه و عنوان و مطالب روزنامه ملتی در سنه ۱۲۸۲ انشاء نموده است<sup>۱</sup>.

از جمله آثار آخوند زاده مجموعه ایست، مانند صد خطابه میرزا آقاخان کرمانی ولیکن شیوه و سبک این اثر آقای کرمانی از کتاب آخوند زاده اخذ و اقتباس شده و بعبارة اخری این یکی بر منوال اولی تألیف شده است، صد خطابه ناقص مرحوم کرمانی در سال یازده روزنامه جبل المین کلکته انتشار یافته و از مجموعه آخوند زاده هم نسخه ای در کتابخانه نصیرالدوله مرحوم دیده ام.

تلقین نامه عربی معروف هم یکی از منشآت سیاسی آن مرحوم است که در اواخر عمر بقلم آورده و آن در اوائل قرن چهاردهم بخط دستی در تبریز انتشار یافته و بعدها نسخه مغلوطی از آن در قسمت پارسی جریده ارشاد منتشره در باکو چاپ شده<sup>۲</sup> و اولش اینست «یا عبدالله وابن عبدالله اسمع افهم اذا جائك الرسولان المقربان من عند روس و انگلیس و آل عثمان و سالاک عن مدارسک و جندک و طرقک و صنائعک و تجارتک و معارفک ... فلا تخف و لا تحزن و قل فی جوابهما ... الخ».

**آراکل** - ارمنی معروف به یاد ما کرد داو ریژتی (تاریخ نویس تبریزی) از مورخین معروف آن شهر بوده در تاریخ (۱۰۸۱ = ۱۶۷۰) در اچمیازین فوت کرده و

---

۱ - روزنامه ملتی مجموعه ماهانه بوده است منتشر در طهران با چاپ سنگی در تحت اداره اعتضادالسلطنه مرحوم، شماره اولش بتاریخ جمعه ۱۴ ربیع الاول سنه ۱۲۸۳ و شماره اخیرش به تاریخ ۲۰ جمادی الاخر سنه ۱۲۸۷ میباشد که ۲۳ شماره مجموعاً طبع شده و غالباً محتوی به ترجمه احوال شعرا بوده و شکل مسجد در بالای صفحه اول داشته که علامت ملتی بودن آن قرار داده اند (ورقی از دفتر تاریخ مطبوعات ایرانی و پارسی تألیف نگارنده).

۲ - روزنامه ارشاد پارسی در سال ۱۳۲۳ هجری در شهر باکو بقلم ادیب الممالک مرحوم و مدیریت احمد بیگ آقا یوف قراباغی انتشار یافته شماره اول آن روز جمعه ۱۶ ذیقعد سال ۱۳۲۳ بوده و بیش از ۱۳ شماره از این منتشر نشده است و تاریخ شماره اخیر آن هم ۲۷ صفر سال ۱۳۲۴ میباشد (ورقی از دفتر تاریخ مطبوعات ایرانی و پارسی تألیف نگارنده).

در آنجا مدفونست . مورخ مشارالیه بامر رئیس کل روحانی ارامنه نوشتن تاریخ عصر خود مأمور شده پس از سیاحت ممالک ایران و عثمانی و مطالعه کتب و اخذ معلومات لازمه در اواخر عمر خود کتابی بزبان ارمنی مشتمل بروقایع ارامنه و چگونگی حالات آنان از سال ۱۶۰۲ تا ۱۶۶۲ و روابط آنها در ایران و عثمانی و ارمنستان و گرجستان و مهاجرت ایشان از جلفای آذربایجان ونواحی آن سامان به جلفای اصفهان و حوالی آن تالیف کرده است و آن مکرر بطبع رسیده و باندازه هفتصد صحیفه متوسط ضخامت دارد .

**آغا برشته** - میرزا محمد حسین معروف به آغا برشته ازدوستان حاج محمدصادق خان اختر بوده (۲۲۷۳) از اولاد ملا شیخ محمد حسن تبریزی منسوب بسلاطین صفویه میباشد که در عهد اکبر شاه بعد از تشریف بمکه معظمه بهندوستان رفته و در آنجا ساکن شده است، صاحب طبقات اکبری در ضمن علما و فضلائی دوره اکبری چنین نوشته است ( ملا شیخ محمد حسن تبریزی دانشمند بود و سالها درس میگفت ) اشعار ذیل نمونه ای از افکار آغا برشته است .

« در خدمت آن طره مشکین تو هر روز

تا چند کنم شرح پریشانی خود را »

\*\*\*

« زد خویش را بر آتش و از اضطراب سوخت

برواه حیف لذت سوز جگر نداشت »

**آغا بیگم** - ملقب به آغاباجی همشیره ابوالفتح خان متخلص به طوطی و صبیبه مرضیه ابراهیم خان جوانشیر است فتحعلی شاه پس از جلوس بتخت سلطنت آن خانم را بنکاح در آورده بانوی حرمسرای خود قرارداد در سال ۱۲۲۶ که سر کور اوزلی بازوجه خود از طرف پادشاه و ملکه انگلستان بسفارت فوق العاده و با تحف و هدایای زیاد بمملکت ایران آمده اند در موقع شرفیابی سفیر مزبور نامه ماموریت را در قوطی تکمه دار بر لیان بخود شاه و زش یکقطعه عنبرچه العاس بهمین بانوی حرم تقدیم داشته اند و این فقره مشرووحتر از این در تواریخ ذکر شده و در اینجا بیش از این محتاج الیه نیست .

### آقا ابوالحسن نقاش باشی افشار ارموی

بالجمله این خانم محترمه از سخنوران اوایل قرن سیزدهم هجری بوده و در سال ۱۲۴۸ در دارالایمان قم فوت کرده و این دو بیت از یک غزل اوست .

« خرم آنکو بسر کوی تو حالی دارد      که سر کوی تو خوش آب و هوایی دارد »  
« بسفر رفت دلم شد جرس ناقه او      رسم اینست که هر ناقه در آئی دارد »

### آقا ابوالحسن نقاش باشی افشار ارموی - خاف استاد الله و یردی نقاش بوده و

در صنعت نقاشی و گل و بوته سازی و رنگ آمیزی مابین قلمدانها و جلد های کار های عمش علی اشرف نقاش افشار مشهور تمیزی ممکن نبود مگر آنکه ارقام از صاحب صنعت اعلام میکرد ، عزیزخان سردار از کار های او بسیار برسبیل هدیه برای اعیان بطهران فرستاد ، قلمدان اوهم بحیات خودش تا پنجاه تومان خرید و فروش بهمرسانید تقریباً در اواسط این سنین اربعین شمسی وفات یافت ( ۱۳۰۶ )

( الماثر و الانار )

### آقاتقی افشار ارموی - منجم ماهر و در کافه فنون حکمت متوسطه مسلط و قادر

بود ، مدتها در عتبات عالیات بتحصیل علوم معقول اشتغال داشت ، پس از آن باراده والدش حاجی آقا ابوالحسن از عتبات بارومیه آمد ، میل والدش ابن بود که صاحب محراب و منبر باشد ولی او قبول نکرد منزوی شده در سنه ۱۲۸۴ برتحمات ایزدی پیوست ، سن شریفش پنجاه سال بود ، در علم اعداد و اوقاف و جفر هم کمال مهارت داشت ، میرزا محمد منجم افشار ارموی نیز از اقوام و منسوبان او بوده و در علم نجوم تسلط فوق العاده داشت

( المعائر و الانار )

### آقا جان اهری - از شعرای ترکی زبان آذربایجان است ( حدیقه الشعراء )

### آقاسی - محمد امین متخلص بخازن معروف به آقاسی ولد ضیاء الدین تبریزی

از سخنوران شاه عباس کبیر بوده از ساکنین عباس آباد اصفهانست و از آنجا بشیراز رفته و مدنی در آن شهر اقامت کرده است و بعلت شاهد بازی در دست عیسی خان قورچی باشی کشته شده و طبمش در اقسام سخنوری بر کمال بوده و قدم بر قدم پدر خود میگذاشت . از اشعار اوست

دانشمندان آذربایجان

« بود ز تنگی دل غنچه سان دل جمع  
چو گل شکفتگی ام باعث پریشانی است »

\*\*\*

« چشم گیرنده تر از چنگل شاهین قضاست  
مژه برگشته تراز بخت من بی سروپاست »

\*\*\*

« گلشن فردوس اگر خواهی مرنجان خلق را  
سدراهی چون غبار خاطر احباب نیست »  
(نذکره نصر آبادی)

**آقاسید حسین کوهکمری** - از فحول علمای آذربایجان و از تلامذه شیخ مرتضی انصاری است، در سال ۱۲۹۹ در عراق عرب برحمت خدا پیوسته و رساله استصحاب و رساله مقدمه واجبش بین العلماء مشهور و شرح حال وی در کتب رجال مفصلاً ذکر شده است.

**آقاسید صالح بن محمد سعید خلخالی** - از تلامذه میرزا حسن جلوه ( ۱۳۱۴ مرده )، در فن حکمت و کلام تخصص داشته و در مدرسه دوستعلی خان نظام الدوله در طهران تدریس میکرده است، در غره شهر صفر سال ۱۳۰۶ بان و بنان وی از تقریر و تحریر باز مانده و تن بی روانش در گورستان ابن بابویه در زیر خاکها آرمیده است. زبده آثار خلخالی شروح ثلاثه اوست که بزبان پارسی بر حرز دوازده امام محی الدین بن العربی ( ۶۳۸ مرده ) و قصیده یائیه معروف میر فندرسکی ( ۱۰۵۰ مرده ) و فراید شیخ مرتضی انصاری ( ۱۲۸۱ مرده ) بقلم آورده و هر سه کتاب مطبوع طبایع واقع شده و در طهران بطبع رشیده اند.

**آقاسید علی طیب تبریزی** - از سادات موسوی مقیمین تبریز است و موافق اسناد ومدارکی که اولاد آن مرحوم در دست دارند جد آنها سید حسین سلطان العلماء مشهور به خلیفه سلطان است که در عهد شاه عباس بمقام وزارت رسیده و نیز نیای بزرگ ایشان میرزا قوام الدین محمد است که بامورخ مشهور حافظ ابرو معاصر بوده و در

### آقا شیخ حسن مامقانی

سنه ۸۹۸ از جانب سلطان ابوسعید خان بهادر در بلاد مازندران حکومت داشته است بالجمله آقا شید علی مزبور در سنه ۱۲۰۲ در شهر تبریز تولد یافته و بعد از تحصیلات ادبی از تبریز مسافرت نموده معقول را در حوزه درس آقا علی اصفهانی و منقول را در نزد شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر الکلام تکمیل نموده و علم طب را در پیش میرزا حسن شروانی تحصیل و هم در مطب او بمزاوت عمل اشتغال داشته و در سنه ۱۳۱۶ هجری در شهر تبریز رحلت نموده و تألیفات چند بیادگار گذاشته است منجمله قانون العلاج و زاد المسافرین و رساله جدری است که هر سه بطبع رسیده و کتاب جامع العلیل است که چاپ نشده .

### آقا شیخ حسن مامقانی بن عبدالله مامقانی - از مشاهیر علمای آذربایجان و مرجع

تقلید شیعه در نجف بوده ، در ۲۲ شعبان سال ۱۲۳۸ در قریه مامقان تولد یافته و از شیخ مهدی سبط کاشف الغطاء و علامه انصاری و سید حسین کوهکمری تحصیل کرده و در سنه ۱۳۲۳ هجری رحلت فرموده اند و کتاب ذرایع الاسلام فی شرح شرایع الاسلام ۱۴ جلد و کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول ۸ جلد از جمله تألیفات آن حضرت میباشد ، میرزا عبدالله مجتهد مامقانی که پسر او بوده و در سنه ۱۳۵۱ مرحوم شده اند رساله ای بعنوان مخزن المعانی فی ترجمه المحقق المامقانی در شرح حال والد خود نوشته و چاپ کرده اند .

### آقا عبدالله مدرس زنوزی - یکی از بزرگان علما و فضلاء آذربایجان بوده

در سنه ۱۲۵۷ مرحوم شده و کلمات (روح عبدالله همی روحانیانرا پیشوا) حاکی از آن تاریخ میباشد لمعات الهیه در اثبات واجب الوجود و انوار جلیه در شرح حدیث کمیل از جمله آثار آن بزرگوار است .

### آقا علی معروف به استاد الاسانید - خلف آقا عبدالله مدرس زنوزی بوده در

معقول و منقول از جمله فحول علما و حکمای آذربایجانست ، در تاریخ ۱۲۳۴ تولد یافته و در روز سه شنبه ۱۷ ذیقعد در سال ۱۳۰۷ وفات کرده است .

### آقا علی استاد الاسانید - در اوایل عمر نزد پدرش تحصیل کرده و بعد از آن

در نجف اشرف از علمای عصر و در اصفهان و قزوین از میرزا حسن بن ملا علی نوری

و ملا آقای قزوینی تحصیلات خود را ادامه داده و در طهران در مدرسه قاسم خان مدت مدیدی بتدریس فلسفه و حکمت مشغول شده و چندین رساله و کتب تألیف کرده است منجمله سیل الرشاد فی اثبات المعاد و کتاب بدایع الحکم پارسی است و این یکی عبارت از مسائلی است که نواب بدیع الملک میرزا سؤال فرموده و استادالاساتید جواب داده اند و آن دو کتاب در طهران چاپ شده اند، شرح حال مختصر او در جریده اختر مورخه نهم ماه صفر سال ۱۳۰۸ نشر شده و این دو بیت مشهور ازوست .

« نرگس مست تو تا باده پرستی کندا

هر چه هستی همه چون چشم نومستی کندا»

« شد بیک نقطه عیان ازدهنت سر وجود

نیستی بین که چنان نکته هستی کندا»

**آقامحمد رحیم نایب الصدر افشار** - عارفی معروف بوده و برهنمای جمیع درویشان و قلاوز قافله ایشان میرزا نصرالله نصر اردبیلی ارادت میورزیده و از جانب او بارشاد عباد میرداخت، دیوان غزلیاتش مشهور و در ۱۲۸۵ وداع سرای سنج نموده حاجی میرزا علی نایب الصدر خلف وی از سالکین عصر است در خط شکسته و نستعلیق نیز ید طولی دارد .

**آقای میر گلستان تبریزی** - از مشاهیر نقاشان قرن چهاردهم هجری نامش سید محسن و نخلص او سید بوده و در حدود سنه ۱۳۳۰ هجری مرحوم شده است از آثار او منظومه ای بعنوان مرآت البکاء در مرثی حضرت سیدالشهدا در تبریز چاپ شده و فراوانست، آقامیرمصور و برادرش ارژنگ و رسام هر سه برادرزاده های مشارالیه میباشند .

**آشفته** - اسمش کلب حسین بیک اصلش از اعیان شهر ایروان و عمش حاجی ملا محمد شیخ الاسلام آنسامانست ، در طهران نزد ظل السلطان علیشاه بوده اشعارش چون صحبتش دلکش و بحسن منظر و لطافت بیان محسودا قرانست، مضامین بلند و ایات دلپسند دارد از آنهاست .

یکره بزیر تیغ نظر کن که روز حشر

ترسم خدا نکرده شوی شرمسار ما



آشوب

گفتش بوسه اول ده و جانم بستان  
گفت آشفته سودا زده آخر که چرا

\*\*\*

گر نه شایسته دامنم بکش آزار ممکن  
که کشد طغنه مرغیان گرفتار مرا

\*\*\*

مو بمو شرح پریشانی خود می کردم  
بود اگر دست بگیسوی تو چون شاه مرا  
(تذکره دلگشا)

**آشوب** - میرزا محمد دیلمقانی از سخنوران قرن سیزدهم هجری بوده و غزلیات  
وی مشهور است و این مطلع و مقطع از یک غزل اوست .

ز اشتیاق تو کردم ز بسکه ناله و شیون

ز خون دیده بهر سودمید سنبل و سوسن

پریوشی که بسر نیست میل صحبت آشوب

ز عقل نیست بکوشش کنم مقام و نشیمن

**آشوب ابروانی** - که از مدیحه سرایان فتحعلیشاه میباشد غیر از آشوب  
دیلمقانی است .

**آگهی تبریزی** - بسوزنکری منسوب بوده و گاهی بشعر گفتن رغبت مینموده  
از آن جمله این مطلع ازوست .

بگریه موسم گل در فراق یار گذشت

بگل رخی تشستیم و نوبهار گذشت

(تحفه سامی)

**آهی** - از نوحه سرایان تبریز و از معاصرین میرزا مهدی شکوهی و میرزا علی  
لعلی بوده تمام نواحی و مرآئی او بزبان ترکی است .

**ابراهیم** - مولانا وحیدالدهر ابوالفضل ابراهیم بن ابی عبدالله بن ابی ایوب الزنهارى

السلامسی که بک واسطه بخواجه محمد پارسا ( ۸۲۴ مرده ) میرسد در فقه و تفسیر و حدیث نظیر نداشته و از جمله تألیفاتش شرحی است بر صحیح بخاری که مقبول الطرفین است و فوتش در شهر ربیع الاول سنه ۹۱۱ واقع شده در قبرستان گجیل در حوالی مزار حدادیه مدفونست (روضات الجنان)

**ابراهیم اردوبادی** - از سادات آجا بوده داماد محمد باقر یزدی است در او واسط عمر بهندوستان رفته بتعلیم پسران نواب جعفر خان وزیر اعظم شاه جهان پادشاه ( ۱۰۶۸-۱۰۳۷ ) مشغول شده و ثروت بسیار بهم رسانیده بود آخر اندوخته خود را بتاراج داده در لباس فقر باصفهان فوت شد ، این سه رباعی از نتایج افکار ابدکار اوست .

« هر زنده دلی که او زاهل درد است      دانسته ز اسباب تعلق فرد است »  
 « هر پیر زنی مرگ طبیعی دارد      مردی که باخنیار میرد مرد است »

\*\*\*

« که در دل خشک و گاه در چشم تراست      آری مه من مسافر بحر و بر است »  
 « از دیده گر آید بدلم دوری نیست      راه دریا بکعبه نزدیک تراست »

\*\*\*

« گر هند مرا پرورد از شیر و شکر      کی مهر عراقم رود از سینه بدر »  
 « هر چند زدایه طفل میگیرد شیر      لیک از مادر نمیکند قطع نظر »  
 ( سفینه خوشگو )

**الشیخ ابراهیم الارموی** - ولد سنه ۶۱۵ بجیل قاسیون و توفی سنه اثنین و تسعین و

ستمانه من شعره

« سهری علیک الذ من سنه الکری      و یلذنا فیک تهتکی بین الوری »  
 « وسوی جمالك لا یروق لناظری      و علی لسانی غیر ذکرك ما جری »

۱ - محمد باقر بن زین العابدین یزدی از اعظم علمای ریاضیون ایران است ، قوانین جدید و بر اهرین سدیده از خود اختراع کرده و در فضل و کمال و دقت نظر و سرعت انتقال بی نظیر بوده ، معاصر علامه آقا حسین خوانساری است و مشار الیه بر کتاب مطالع الانوار یزدی که در علم هیئت است دیباجه و تقریظی بقم آورده و از جمله تألیفات او حواشی و تعلیقانی است که برا کرتا و ذوسیوس نوشته است و عیون الحساب بزبان عربی نیز یکی از تألیفات او بوده نسخه ای از این نزد نگارنده موجود است .

## ابراهیم

« و حياة و جهك لو بذك حشاشتی لمبشری برضاك كنت مقصرا »

« انا عبدك لا حول عن الهوى يوما و ان لام العذول و اكثرا »

(فوات الوفيات)

**ابراهیم تبریزی** - اکثر خطوط خصوصاً خط نستعلیق را خوب مینوشته و از شعر و موسیقی و تذهیب نیز اطلاع کامل داشته و در معما نیز بد نبوده است این مطلع از او است .

« تابکی یار رقیب از بهر آزارم شوی کی بود از بهر آزارش دمی یارم شوی »

( تحفه سامی )

**ابراهیم** - حاجی میرزا ابراهیم بن حسین آقا دبلی در حدود سنه ۱۲۴۰ در شهر خوی تولد یافته و در سال ۱۲۶۲ برای تحصیل بنجف اشرف تشریف حاصل نموده است و پس از تحصیل از علمای آن عصر بمقسط الراس خود برگشته و در تاریخ ۱۳۲۵ هجری در اتنای انقلاب مشروطه بقتل رسیده و در آ شهر مدفون است تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال و الدرّة النجفیه فی شرح لهج البلاغه از جمله تالیفات او بوده در تبریز بطبع رسیده اند .

**ابراهیم** بن زین العابدین بخجوانی از اطبای قرن یازدهم هجری است پدرش زین العابدین بدمشق رفته و ابراهیم در آنجا بتحصیل طب مشغول گردیده و بعد از فراغت از تحصیل ریاست طبای اندیاریا و تفویض شده و در سال ۱۰۵۸ در آنجا وفات کرده است .

مولانا ابراهیم بعلاوه حذاقت و مهارت در فن طبابت بیش از اندازه خفیف مشرب و سبک روح بوده و در میان عوام الناس برابر هم جمل اشتهار داشته و فیما بین او و حاجی محمد بن حسین صالحی معروف به قاق مطایبه و شوخی بوده است روزی قاضی مزبور برای حکیم اسباب فضیحتی فراهم میآورد و حکیم از آن اسباب چینی مطلع میشود و مابین آنها بمشامه و مخاصمه میکشد و از آن به بعد ابراهیم طیب با قاضی قطع مراوده میکند ابراهیم اکرمی از ادبای آن عصر در این باب گفته است .

انظر الى حال الزمان و ما اعتراه من الخلل  
الفاق مد جناحه شركاء ليصناد الجمل

(مطرح الانظار)

**ابراهیم شبستری** - ملقب به برهان الدین از فضلا و عرفای قرن دهم هجری بوده و یکی از جمله مشاهیر سلسله نقشبندیهاست قصیده ای بقافیه حرف تاء در نحو لغت عرب بعنوان نهایه البهجه موزون ساخته که یکی از مشاهیر کتب این فن محسوب گردیده و اول و آخر آن منظومه اینست .

« نيمت باسم الله مبدى البرية مفيض الجدى معطى العطايا السنية »

« فرغت و قد ابدى المحرم عشرة لتسمنى من هجرة نبوية »

حاجی خلیفه منظومه مزبور را باین نحو تعریف نموده است « تائیه فی النحو للشیخ ابراهیم الشبستری نظم فیها الکافیة و زاد علیها و سماها نهایه البهجه ثم شرحها شرحا لظفا ممزوجا و كان فريدا في الصنعة و النظم يقال له سيويه الثاني و له التائيه في نظم ايساغوجي سماها موزون الميزان ثم شرحها ايضا و كلتها هما في غاية البلاغه » نسخه از نهایه البهجه وی در کتابخانه ملی پاریس و نسخه از شرح آن در کتابخانه حمیدیه اسلامبول دیده ام و بنا بنگارش صاحب مرآت الکائنات مولانا شبستری منظومه بعنوان انبیا نامه نیز داشته و در اتنای مسافرت بمکه معظمه در تاریخ ۹۱۷ با پسر خود مقتول گردیده اند حاجی خلیفه در تقویم التواریخ فوت او را در سال ۹۱۹ و مؤلف شذرات الذهب در سنه ۹۱۵ ضبط کرده و در حق وی چنین نوشته است .

« ۹۱۵ و فیها توفي برهان الدین ابراهیم بن حسن الشیخ العلامة البیسی الشبستری ... »

كان من فضلاء عصره وله مصنفات في الصرف و قصیده تائیه فی النحو لا نظیر لها فی السلاسه و له تفسیر من اول القران الی سورة یوسف و مصنفات فی التصوف و قتل فی از زنجان قتل جماعه من الخوارج »

**ابراهیم بن عبد الجلیل** - وزیر تبریز است در اوایل عهد شباب در اصفهان

تحصیل کرده و بعد از معاودت به تبریز مدتی در جزو منشیان قائم مقام مرحوم بوده است در کتابت عربی و فارسی و نظما و نثر مطالب نگار است ذهنش صاف و طبمش

## ابراهیم

مایل بانصاف و در علم نجوم و کلام و حدیث و معانی و بیان دستی دارد و قلیل الشعر است و له .

« ای همایون خطه تبریز ای فخر البلاد

چند داد ایزد ترا این وسعت و این حوصه »

« تا مقر شوکت شه شد زمینت از شرف

بر تر از اوج سماوات آمدی صد مرحله »

« چند که بهر تفرج شاه گشت اراز تو دور

شاد باش اکنون بسویت باز گردد خوش دله »

« گر ز باشش شمه خوانند بر گوش و حوش

کریک دارد چون شبان روز شبان پاس کله »

( نگارستان دارا )

ابراهیم مشار الیه چنانکه خودش مینویسد مدنی در عتبات عالیات به تعلم و تعلیم و تألیف و تصنیف پرداخته و کتابی بعنوان حقایق العلوم بنام محمد شاه تدوین نموده است و پس از تألیف کتاب بوقایع نگاری مأمور شده و ابتدا بسفر هرات و نسخیر آن شروع نموده و آن را با اسم مآثر سلطانی موسوم ساخته است نسخه از آن رساله نفیس نزد نگارنده موجود و اولش اینست الحمد لله الذی خلق الاصباح من مشرق الازل و خلق الارواح من مشرع لم یزل الخ .

**میرزا ابراهیم** - برادر میرزا آقاسی تبریزی ساکن عباس آباد اصفهان بوده گاهی

تحصیل میکرد و گاهی غزل هم میگفت و عارف تخلص داشت مدنی قبل از این (۱۰۸۳) بهند رفته و از آنجا بمکه معظمه مشرف گشت و چنان مسموع شد که اسباب خود را بمرد سیدی بقصد رضای الهی داده خودش پریشان حال بهند مراجعت نموده و بعد از مدت سهلی فوت شد شعرش اینست .

« از طیدن های دل در کلبه ویرانه ام

سقف همچون رنگ برنخیزد ز روی خانه ام »

\*\*\*

« در شبستان وفا شب زنده داران امید

شمع روشن می کنندم از می افسانه ام »

\*\*\*

« از حوادث گمرد غم نشست بر رخسار ما

پاسبان خانه شد کوتاهی دیوار ما »

( تذکره نصر آبادی )

**ابوالفتح ابراهیم میرزا** - فرزند ظهیرالدین بهرام میرزای صفوی است بعد از رسیدن بسن رشد شاه طهماسب اول دختر خود گوهر سلطان خانم را بعقد نکاح وی در آورده حکومت خراسان را باو داد که تا سنه ۹۷۹ دوازده سال تمام در آن جا حکومت کرده است .

این شاهزاده صفوی افکار عالی داشته و در تحصیلات علوم و فنون معموله و اغایی از صنایع نفیسه و اعمال یدی اطلاع کامل رسانیده بود منجمله قرائت عشره و علم تجوید را پیش شیخ فخرالدین طبسی و والد ماجد او شیخ حسنعلی گذرانیده بود و بعد از تنقیح علم صرف و نحو و معانی و بیان و منطق و تحصیل اصول تتبع علم رجال و تصحیح کتب احادیث نبوی و امامی در علم سیر و نسب و تواریخ استحضار کامل بهم رسانیده بود و در علم ریاضی و مجسطی از منوی و حسابی و نجومی و موسیقی صاحب فن و مصنف گردیده و نقشا و صوتها او در آن عهد کمال شهرت را داشته است در علم عروض و قافیه و سخنوری ذو فنون بوده و در هر دو زبان پارسی و ترکی شعر میگفته و جاهی تخلص میکرده است .

حاجی احمد بن میرمنشی قمی که مؤلف خلاصه التواریخ در ۶ جلد و تذکره سلاطین و امرا و گلستان هنر است در هر سه کتاب خود تاریخ حیات او را مفصلا نوشته و دیوان اشعارش را هم قریب بسه هزار بیت مدون ساخته و دیباچه بر آن بقلم آورده است صاحب خلاصه الاشعار نیز شرح مبسوطی نوشته و ۸۶ بیت از اشعار او انتخاب

ابراهیم میرزا

کرده است در تذکره های دیگر نیز از مختصر و مطول هر يك شرح حالی برای این شاهزاده نوشته اند و ابیات ذیل نمونه از افکار اوست .

« نه پنداری که چشمش رسم عیاری نمیداند  
نماید آن چنان خود را که پنداری نمیداند »

\*\*\*

« گسر صد جفا کشم ز خط مشکبوی تو  
حاشا که آورم سر موئی بروی تو »  
( بیاض خانصاحب )

رباعی

« آنشوخ بمن دشمن جانی است هنوز      بیمهر چو روزگار فانی است هنوز »  
« بی آنکه مرا تاب تجلیش نماید      با من بمقام لن ترانی است هنوز »  
( گلستان هنر )

قطعه ذیل را در تعریف اسب گفته است

« کمان تحرك و فکرت شتاب و خاطر تک  
ضمیر جنبش و اندیشه خون و وهم سپهر »  
« بگاہ تاختش همچنان که آب از باد  
شکنج گیر شود روی گنبد اخضر »  
« بگرد ساغر باریک لب ز هشیاری  
چنان رود که نجبد شراب در ساغر »

( خلاصه الاشعار )

ابراهیم میرزا تذکره مفیدی بعنوان فرهنگ ابراهیمی در تراجم احوال و منتخب اقوال سخنوران نامی تألیف نموده که یکی از منابع و مراجع سفینه خوشگو است و بر حسب روایت حاجی احمد بن میر منشی قمی کتابخانه گرانبهای این شاهزاده معظم دارای کتب نفیسه و مرقعات مرغوبه ای از نوا در روزگار بوده است که یکی از مرقعاتش محتوی بر خطوط استادان نادر و خوش نویسان قادر و تصاویر استاد بهزاد

## دانشمندان آذربایجان

و نقاشان بی بدل بوده و قیمت آن با خراج يك مملکتی برابری مینموده است .  
خلاصه کلام مجالس و محافل او همیشه مجمع فضلا و ادبا بوده و هر کس از سخنوران که بقصد هند بایالت خراسان وارد میشده اند مدتی آنها را نزد خود معرزو محترم نگاه میداشته است خواجه حسین ثنائی قضاید عالی در مدح وی منظوم کرده و ساقی نامه را بنام وی موشح ساخته است یوقللی بيك اینسی از تربیت شدگان او بوده و این تخلص را نیز از وی گرفته است و از جمله اینس و مونس وی مولانا قاسم قانونی است که در علم ادوار و نواختن قانون از اساتید مشهور آن عصر محسوب میشده است .

بالجمله بعد از جلوس شاه اسمعیل ثانی روز شنبه پنجم ذی الحجه سال ۹۸۴ شمحال سلطان بحکم وی این جوان دانشمند را کشته و شمع حیاتش را خاموش ساخت و در آن روز ۱۱ نفر دیگر از شاهزادگان نیز بقتل رسیدند حرم وی که خواهر شاه اسمعیل بود قبل از صدور حکم قتل اطلاع پیدا کرده تمام کتابها و مرقعات شوهر را باب انداخته و جواهرات و نقایس را خورد کرده و آتش زده و سوزانید و خود هم در ماتم او از کثرت جزع و فزع پهلو بر بستر ناتوانی نهاده در همان ماه عالم فانی را وداع کرد صیه آنها گوهر شاد بیکم نقش پدر و مادر را از قزوین بمشهد مقدس نقل کرده در حرم و روضه محترم مدفونشان ساخت عبدی جنابذی در تاریخ آن واقعه گفته است .

« گل گلزار حیدر کرار      خلف آل احمد ابراهیم »

« بر فلک سودا فسرش که نهاد      در مقام رضا سر تسلیم »

« گفت تاریخ سال قتل مرا      بنویسید ( کشته ابراهیم ) » ۹۸۴

گویند وقتیکه ابراهیم میرزا یقین کرد که رحلت او نزدیکست مکتوب ذیل را بشاه اسمعیل نوشت .

« بخون ای برادر میالای دست      که بالای دست تو هم دست هست »

« کسی را فلک افسر زر نکرد      که در آخرش خاک بر سر نکرد »

نهایت آنکه چند ماهی قبر ما از قبر شما کهنه تر نماید و بسبب این اعمال زشت



## ابراهیم

بهره از عمر نخواهی برد مخدم ما در مدت هشتماه که پادشاه شده چهل و چهار هزار و دوست و بیست نفر بیگناه ملتی و دولتی فرمان پادشاه عادل کشته شدند که از آنجمله سیصد و بیست نفر ذریه رسول خدا بودند و هیچیک بدرجه بلوغ نرسیده معصوم از گناه بودند و در روزی که خدای هر دو جهان قاصی باشد چه جواب خواهی گفت مثل شما مثل بقالی است که دکان نزدیک بغروب آفتاب باز کند و معلوم است که درجه معامله او بچه اندازه شود و خوبی جوانی شما گذشته است چهل و هشت سال گذرایده اید خدای غیب دان میداند که در جنگهای با کفار گرجستان همیشه طلب شهادت داشتم و اکنون امیدوارم که بشهدا ملحق گردم انا لله و انا الیه راجعون

بنیاد کرده ای که کنی خان و مان ما ای خان و مان خراب چه بنیاد کرده ای ؟

ابراهیم - بن یحیی کواهان از مشایخ تبریز است و وفاتش هم در آجا سنه ۲۷۷ واقع شده است (تاریخ گریبه)

ابن ساوجی - ابوالمحاسن محمد بن سعد بن محمد سجوانی از ادبا و شعرای قرن هشتم هجری بوده کتابی در ترجمه و شرح لائلی منثور حضرت علی م بعنوان بدره المعانی فی ترجمه اللائلی در تاریخ ۷۳۲ منظم نموده و این در سال ۱۴۱۵ در اسلامبول چاپ شده از آجاست .

اخوك من و اساك في الشدة

کسی باشد ترا یار و برادر که در سختی ترا یار است و یاور

ابن صدرالدین - محمد امین از فضلا و علمای معروف شهر شروان بوده در تاریخ ۱۰۳۶ بعالم بقا شتافته در قبرستان اسکدار مدفونست زبده آثار وی کتابی است بعنوان الفوائد الخاقانیه الاحمد الحانیه که بنام سلطان احمد خان عثمانی (۱۰۲۶ - ۱۰۱۴) تألیف کرده و آن مشتمل بر ۵۳ فن موافق عدد کلمه احمد میباشد نسخه از آن در کتاب خانه وین و نسخه دیگر در کتابخانه حمیدیه دیده ام شرحی بر قواعد العقائد امام غزالی و تلبیقانی هم بر شرح شمسیه رازی و تفسیر بیضاوی نوشته و تفسیری بسوره فتح و رساله ای در تحقیق مبدء و معاد تألیف کرده است .